

عدم برابری دیه بین زن و مرد

مقدمه :

امروزه یکی از مسائل مهمی که در ق.م.ا ما بحث برانگیز است و شبهات زیادی را در اذهان مردم ایجاد کرده است و از مسائلی است که امروزه بحث پیرامون آن به شدت جریان دارد موضوع تفاوت قصاص و دیه بین زن و مرد است. در ق.م.ا به پیروی از فقها امامیه در قصاص و دیه بین زن و مرد تفاوت است. در صورتی که امروزه در بسیاری از کنوانسیون ها و اسناد بین المللی تاکید بر رفع تبعیض علیه زن و رعایت تساوی بین زن و مرد و عدم تبعیض بر اساس جنس می باشد. برای بررسی دقیق و وضعیت حکم قصاص و دیه و تفاوت آن بین زن و مرد و روشن شدن این مسئله نیاز است که مسائل فقهی و حقوقی که در این مورد وجود دارد را مورد بررسی قرار دهیم. در این مقاله ما موارد زیر را به ترتیب بررسی می کنیم :

۱- تفاوتهایی که بین زن و مرد در ق.م.ا قرار دارد. ۲- مفهوم مواد قصاص و دیه در ق.م.ا ایران ۳- آفرینش زن ۴- نگاهی به زن در ادوار تاریخ ۱-۴ حقوق زنان در اسناد بین المللی ۵- تقسیم بندی مطالب در دو مقوله قصاص و دیه ۱-۵ قصاص الف - قصاص از نظر فقهای اهل سنت / دلایل این گروه از فقها

ب - قصاص از نظر فقهای امامیه / دلایل این گروه از فقها

۲-۵ قصاص اعضا و جوارح ۳-۵ دیه در فقه اهل سنت و شیعه

۶- نظر اساتید و علمای مؤخر ۷- نظرات نگارنده در مورد مطالب ذکر شده ۸- نتیجه

گیری

۲- تفاوتهایی که بین زن و مرد در ق.م.ا قرار دارد :

در ق.م.ا ایران بین زن و مرد در چهار چیز تفاوت وجود دارد :

۱- زمان مسؤلیت کیفری :

اولین تفاوتی که بین زن و مرد وجود دارد در مورد مسئول شناختن فرد در مقابل جرمی

که انجام می دهد است در م ۴۱ ق.م.ا گفته که اطفال در صورت ارتکاب جرم از

مسئولیت کیفری مبرا هستند و در تبصره ۱ ماده مذکور عنوان کرده که منظور از طفل

کسی است که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد و به حکم م ۱۲۱ سن بلوغ برای پسران

۱۵ سال تمام قمری و برای دختران ۹ سال تمام قمری است .

۲- شهادت زن در دادگاه :

دومین تفاوت موجود در ق.م.ا این است که زن و مرد در شهادت دادن در دادگاه با هم

اختلاف دارند . مثلاً در بعضی موارد با شهادت زن اصولاً جرائم قابل اثبات نیست. (ماده

۱۸۹، ۱۹۹، ۲۳۷، ۱۷۰، ۱۳۷، ۱۵۳، ۱۱۹) و در بعضی موارد هم شهادت دو زن با شهادت یک

مرد قابل اثبات است. ماده ۷۴، ۷۵

۳- دیه :

دیه از جمله وجه تمایزهایی است که بین جنس مذکر و مونث در ق.م.ا ایران وجود دارد

در ماده ۳۰۰ بیان می دارد دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی و خواه غیر عمدی نصف دیه

مرد مسلمان است .

۴- قصاص :

در مورد قصاص بین زن و مرد تفاوت وجود دارد بدین معنی که اگر زنی از روی عمد (عمداً) مردی را به قتل رساند قصاص می شود ولی اگر مردی زنی را عمداً به قتل می رساند در صورتی قصاص می شود که خانواده مقتوله فاضل دیه را به خانواده قاتل پردازند .

حال در این مقاله همانطوری که در مقدمه آن ذکر کردیم از بررسی شماره ۲۱ خود داری می کنیم و شماره ۴۳ آن را بخوبی شکافته و مورد بررسی قرار می هیم .

۳- مفهوم مواد قصاص و دیه در ق.م.ا :

در مورد مفهوم قصاص می توان گفت که قصاص یکی از آن ۵ جمله مجازاتهایی است که در ماده ۱۲ ق.م.ا ذکر شده است و در ماده ۱۴ قانون مذکور در تعریف خود قصاص آمده است که : « قصاص کیفری است که جانی به آن محکوم می شود که باید با جنایت او برابر باشد .» نکاتی را که می توان در مورد این ماده بیان کرد عبارتند از : ۱- مستند شرعی قصاص آیه ی (ولکم فی القصاص الحیاة یا اولی الباب) است .

۲- قصاص را نباید با اعدام یکی دانست . مجازات سالب حیات یا اعدام از انواع مجازاتهای تعزیری و بازدارنده است در حالی که قصاص خودش یکی از ۵ مجازات اصلی مندرج در م ۱۲ است .

۳- قصاص فقط مخصوص قتل عمد و قطع عضو عمدی است اما اعدام در قوانین متفرقه مصادیق متعددی دارد .

م ۲۰۷ «هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می شود و ...»

۱- در اینجا منظور از مسلمان در ماده پنج حدود و قصاص { ماده ۲۰۷ ق.م.ا } مطلق مسلمان است خواه مرد باشد یا زن صغیر باشد یا کبیر .

م ۲۰۹ هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمان را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه مرد را به او پردازد .

۱- با توجه به این که فاضل دیه حق قاتل است و باید قبل از قصاص به او پرداخت شود و در ملکیت وی استقرار پیدا کند می تواند از آن صرف نظر نماید و در این صورت اجرای قصاص بلامانع است . نظریه ۷/۱۶۶۹-۱۳۷۳/۱۱/۲۹ اداره حقوقی

ماده ۲۰۸ « هرگاه مردی زنی را به قتل رساند ولی دم حق قصاص قاتل را با پرداخت نصف دیه دارد و در صورت رضایت ، قاتل می تواند به مقدار دیه یا کمتر یا بیشتر از آن مصالحه نماید .

ماده ۱۵ ق.م.ا در مورد تعریف دیه بیان می دارد که دیه مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است .

نکات این ماده ۱- دیه در حکم ما ترک میت است و طبق قوانین ارث بین ورثه تقسیم می شود . نظریه حقوقی شماره ۱۰۱۷۶-۱۳۷۱/۱۰/۲۳

طبق ماده ۱۲ دیه مجازات است ولی ماهیت دین دارد بنابراین با فوت محکوم علیه ساقط نمی شود و از ورثه و یا از دارایی او استیفا می شود .

پرداخت غرامت از طرف شرکتهای بیمه یا سازمان تامین اجتماعی دیه محسوب نمی شود . نظریه اداره حقوقی ۷/۴۵۸۱-۱۳۶۵/۸/۳۰

ماده ۲۷۳ / در قصاص عضو ، زن و مرد برابند و مرد مجرم به سبب نقض عضو یا جرحی که به زن وارد نماید به قصاص عضو و مانند آن محکوم می شود ، مگر این که دیه عضوی که ناقص شد ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در آن صورت زن هنگامی می تواند قصاص کند که نصف دیه آن عضورا به مرد بپردازد .

ماده ۲۹۴ / دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیای دم او داده می شود .

نکته : ۱- دیه تبدیل به حبس نمی شود و حبس محکوم علیه هرگز بابت دیه محسوب نمی

شود و از مقدار آن نمی کاهد . نظریه ۷/۶۴۵۷-۶۷/۱۱/۱۸ اداره حقوقی

ماده ۳۰۰/ دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی و خواه غیر عمدی نصف دیه مرد مسلمان است .

ماده ۳۰۱/ دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است .

۳- آفرینش زن :

اما در این قسمت از مقاله به اجمال در مورد آفرینش زن و به عبارت دیگر در مورد چگونه آفریده شدن زن و مرد مطالبی را ذکر می کنیم . اما اگر بخواهیم بدانیم نظر قرآن را در مورد خلقت زن و مرد چیست ، لازم است به مساله سرشت زن و مرد که در سایر کتب مذهبی نیز مطرح است توجه کنیم . قرآن نیز در این موضوع سکوت نکرده است .

اولاً/ باید ببینیم قرآن زن و مرد را یک سرشتی می داند یا دوسرشتی یعنی آیا زن و مرد دارای یک طینت و سرشت هستند یا دارای دو طینت و سرشت ؟ قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده ایم . قرآن درباره آدم اول می گوید : « همه شما را از یک پدر آفریدیم و جفت

آن پدر را از جنس خود او قرار دادیم .» (سوره نسا، نحل ، روم)

در قرآن از آن چه در بعضی کتب مذهبی است که زن مایه ای پست تر از مایه مرد آفریده شده و یا این که به زن جنبه طفیلی و چپی داده اند و گفته اند که همسر آدم اول از عضوی از اعضای طرف چپ او آفریده شده اثر و خبری نیست .

یکی دیگر از نظرات تحقیر آمیز در مورد زن این است که می گویند زن عنصر گناه و وسوسه است به طور کلی بیان می دارند که زن شیطان کوچک است و مرد مبرا از گناه است این زن است که مرد را به گناه می کشاند می گویند آدم که اول فریب شیطان را خورد از طریق زن بود شیطان حوا را فریفت و حوا ادم را . قرآن در این مورد نه حوا را به عنوان مسئول اصلی معرفی می کند و نه او را از حساب خارج می کند . قرآن داستان آدم و حوا را بیان می کند و آن جا که پای وسوسه شیطان را به میان می کشد ضمیر را به شکل تشبیه می آورد میگوید : فوسوس لهما الشیطان (اعراف ۲۰) شیطان آندو را وسوسه کرد .
فدلیهما بغرور (اعراف ۲۲)

شیطان آندو را به فریب راهنمایی کرد ، وقاسمهما انی کلما لمن الناصحین (اعراف ۲۱)
یعنی شیطان در برابر هر دو سوگند یاد کرد که جز خیر آنها را نمی خواهد . یکی از نظرات تحقیر آمیز در مورد زن در ناحیه استعداد روحانی و معنوی زن است که می گویند زن مقامات معنوی الهی را نمی تواند طی کند زن نمی تواند به مقام قرب الهی آن طور که مردان می رسند برسد . قرآن در آیات فراوانی تصریح کرده است که پاداش اخروی و

قرب الهی به جنسیت مربوط نیست قرآن در کنار هر مرد بزرگ و قدیسی از یک زن بزرگ و قدیسه یاد می کند .

از همسران آدم و ابراهیم و از مادران موسی و عیسی در نهایت تجلیل یاد کرده است . یکی دیگر از نظریات تحقیر آمیز در مورد زن این است که می گویند زن برای مرد آفریده شده است . اسلام هرگز چنین سخنی ندارد . اسلام با صراحت بیان می دارد زمین ، آسمان ، ابر ، گیاه ، حیوان برای انسان آفرینده شده است ولی هرگز نگفته زن برای مرد آفریده شده است . اسلام می گوید : هر یک از زن و مرد برای یکدیگر آفریده شده اند : هن لباس لکم و انتم لباس لهن (بقره / ۱۷۸) زنان زینت و پوشش شما هستند و شما زینت و پوشش آنها . در پایان این قسمت می توان این نکته را برداشت کرد که قرآن با یک فکر رایج آن عصر و زمان که هنوز هم در گوشه و کنار جهان بقایایی دارد ، سخت به مبارزه پرداخت و جنس زن را از این اتهام که عنصر وسوسه و گناه و شیطان کوچک است مبرا کرد .

۴- نگاهی به زن در ادوار تاریخ :

با نگاهی اجمالی در تاریخ زندگی اقوام گذشته این واقعیت به خوبی روشن می گردد که زنان در آن دوران از جایگاه و منزلت خوبی برخوردار نبوده اند ولی بعد از این که شریعتهای آسمانی بر دل جوامع انسانی طنین انداخت شان و مرتبت زن فزونی یافت حال به

بررسی اجمالی نظرات و دیدگاههای اقوام و تمدن گذشته می پردازیم تا به وضوح به موقعیت زنان در آن جوامع پی ببریم .

زن در یونان باستان : یونانیان زنان را تنها برای ادامه نسل و کارهای خانه می خواستند به گفته گوستان ولویون اگر زنی یک بچه بی قواره و ناقص می زائید او را می کشتند زن در آن زمان در کوچکی مطیع پدر و در جوانی مطیع شوهر و در پیری مطیع پسران بود . یونانیان زن را شیطان می دانستند و زن به آسانی مورد معامله قرار می گرفت . در اسپارت که از شهرهای یونان بود اگر زنی از پسر زائیدن محروم می شد او را به مرگ محکوم می کردند .

زن در روم باستان : از اظهار نظر پژوهشگران در می یابیم که زنان در روم باستان از وضعیت نامطلوبی برخوردار بوده اند حتی آنها را به عنوان مظهر و سمبل شیطان تلقی می کرده اند . به همین خاطر از خندیدن و صحبت کردن آنها جلوگیری می کردند زنان رومی مانند اشیا به شمار می آمدند یعنی پس از مرگ مانند اشیا به ارث برده می شدند .

به طور کلی می توان گفت که حتی در صورت خوب بودن آنها را مستوجب عقوبت و شکنجه می دانستند .

زن در هند : در آیین بودایی که یکی از ادیان هندیان است زنان از حقوق و منزلت اجتماعی محروم بودند و آنها زن را دروازه اصلی جهنم می دانستند و همچنین زن از

کسب دانش محروم بود در قانون مانوی چنین آمده « زن در طول زندگی باید در
قیمومیت مرد باشد . »

زن در چین : در چین اگر دختری متولد می شد خویشان به نزدیکان طفل تسلیت می
گفتند و خانواده طفل به علامت عزا یک دانه دوک (آلتی که بدان نخ یا ریسمان دوزند)
بر در خانه خود می آویختند . زن در فرانسه : فرانسویان عقیده داشتند زن رفیق مار و
فرستاده شیطان است . حتی مجمع دینی فرانسه در سال ۱۳۰۸ میلادی پس از بحثهای زیاد
درباره ماهیت زن چنین نظر داد که « زن انسان است اما برای خدمت مردان آفریده شده
است . »

زن در ایران باستان : اندیشه ایران باستان درباره زنان نسبت به اقوام ملل دیگر بهتر بوده
است . ولی بازنگرش حقارت آمیز نسبت به زن وجود داشت همانطوری که پرفسور
کریستین درباره اعتقادات زمان ساسانیان می نویسد : « که شهریار (خسرو پرویز) از این
میل (داشتن زن زیاد در حرمسرا) سیر نمی شد و هر جا زنی را که با وضعیت مناسب می
دیدند به خدمت او می بردند .

در قوانی عیلامی زن و مرد از تساوی برخوردار بودند آنها زن و مرد را در تقسیم ارث
یکی می دانستند حتی در بعضی موارد زمانی که ارث را به طور مساوی بین فرزندان خود
تقسیم می کردند نام دختران را بر پسران مقدم می دانستند .

در اعراب جاهلیت : نگرش اعراب جاهلیت نسبت به دختران واضح و روشن است آنها دختران را مایه سر افکنندگی می دانستند و آنها را زنده به گور می کردند.

۴-۱ حقوق زنان در اسناد المللی بین المللی :

برابری برای زنان از محورهای کار سازمان ملل از زمان تاسیس آن در ۱۹۴۵ بوده است . این سازمان نقشی بر جسته برای حمایت از حقوق زنان داشته است . کمیسیون موقعیت زنان و حقوق بین الملل برای برابری و عدم تبعیض علیه زنان به ویژه کنوانسیون حذف تبعیض علیه زنان ، ۱۹۷۹ و پروتکل اختیاری ۱۹۹۹ این کنوانسیون را تدوین کرده است و

کمیسیون علاوه بر این اعلامیه حذف کلیه شکل های خشونت علیه زنان را آماده کرده که در ۱۹۹۳ به تصویب مجمع عمومی رسید . که شامل تعریفی روشن از خشونت فیزیکی ، جنسی ، یا روانی در خانواده و یا در جامعه است . مطلبی را که باید به طور خیلی خلاصه گفت این است که مطابق گزارش سال ۱۹۹۵ سازمان ملل متحد یک چهارم خانواده در سراسر جهان به وسیله زنان اداره می شدند .

در زیر نموداری را که شاهد می کنید نسبت بیکاری، جهانی و منطقه ای را بر اساس جنسیت در سال ۲۰۰۳ میلادی را نشان می دهد .

حال بعد از ذکر مقدمه گویی از مفهوم مواد قصاص و دیات و آفرینش زن و نگاهی به زن در ادوار تاریخ و حقوق زنان در اسناد بین المللی نوبت به آن رسیده است که در مورد قصاص و دیات و اختلافات موجود بین فقها بحث و بررسی کنیم .

۵- اختلاف قصاص و دیات بین فقها :

۱-۵ / قصاص از نظر فقهای اهل سنت :

تمامی فقهای چهار گانه اهل سنت (حنفی ، شافعی ، مالکی ، حنبلی) همگی براین اتفاق نظر دارند که مرد در مقابل کشتن زن قصاص می شود بدون این که فاضل دیه را به خانواده قاتل پردازند اساس استدلال فقهای این طایفه عموم آیات قصاص و روایاتی است که ایشان به پیامبر اکرم (ص) نسبت می دهند . علاوه بر این موارد به اصل یکسان بودن نفوس آدمی از زن و مرد هم استناد می کنند ، از جمله نقل شده که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: « ان الرجل یقتل بالمراه » یعنی : مرد در برابر زن قصاص می شود .

و نیز نقل شده است که پیامبر مرد یهودی که دختری را به قتل رسانده بود قصاص کرد .

اما بعد از ذکر خلاصه ای از نظرات کلی تمام فقهای اهل سنت لازم است نظرات چند تن از فقهای این طایفه را در مورد قصاص به طور کلی مورد بررسی قرار دهیم .

علی بن محمد بن حبیب الماوردی که از فقهای معروف شافعی است در کتاب خود پس

از بیان قول شافعی در خصوص جواز قصاص مرد در برابر زن به بیان دلائل این قول

پرداخته و می گوید : دلیل ما این سخن خدای تعالی است که می فرماید : « در تورات بر ایشان واجب کردیم که جان در مقابل جان قصاص می شود » این آیه عام است و تخصیص نخورده است . ابوبکر محمد بن عمرو بن حزم از پدرش و از جدش روایت کرده که رسول خدا (ص) نامه ای به اهل یمن نوشت ، و در آن واجبات و مستحبات را بیان فرمود و این نامه را توسط عمرو بن حزم به آنها ابلاغ نمود . در نامه آمده بود که « مرد در برابر زن به قتل می رسد . » و این در آنچه گفته شد صراحت دارد . و دلیل دیگر این که احکام بر دو نوعند یک نوع از آن مربوط به مال است ، مانند حدود ، که زن و مرد در آن برابرند و نوع دیگر مربوط به مال است مانند میراث ، که در آن زن نصف مرد سهم می برد . قصاص چون از احکام مربوط به حرمت است زن و مرد در آن برابرند . اما دیه چون از احکام مربوط به مال است ، زن در آن نصف مرد است . هم چنین به این دلیل که اگر قصاص واجب باشد دیگر پرداخت مال به همراه آن وجوبی ندارد ، و اگر قصاص واجب نباشد باز هم پرداخت مال واجب نخواهد بود . اما در مورد این سخن خدای تعالی « والانی بالانی » باید گفت : این که می فرماید زن در برابر کشتن زن به قتل می رسد ، مانع از این نیست که مرد در برابر کشتن زن به قتل برسد ، زیرا تعلق حکمی به موردی خاص اقتضا نفی حکم از غیر آن مورد خاص را ندارد . اما این که دیه زن و مرد اختلاف دارد مانع از تشابه آنها در قصاص نمی شود ، همچنانکه اختلاف دیه اهل کتاب و مجوس مانع برابری آنها در قصاص نمی شود .

همو در تفسیر آیه ۴۵ از سوره مائده آورده این سخن خدای تعالی که فرموده: « ما در تورات بر یهود واجب کردیم که جان در جان قصاص می شود.» اقتضا دارد که مرد در برابر زن به طور مطلق قصاص شود. و همه علما نیز همین را گفته اند. اما عطا گفته است:

حکم به رجوع آنها به یکدیگر می شود. بنابراین اگر مردی زنی را به قتل برساند، ولی زن مختار است دیه او را بگیرد، یا نصف دیه مرد را پرداخته او را قصاص نماید. اما عموم آیه بر خلاف آن چه که گفته دلالت دارد. رسول خدا (ص) هم می فرماید: « هرگاه کسی به قتل برسد خانواده او مختارند، یا قاتل را قصاص نمایند، یا از او دیه بگیرند و معنای آیه همین نظر را تایید می کند، زیرا وقتی که مردی زنی را به قتل می رساند، در

واقع کسی را کشته که از نظر خون با او برابر است. بنابراین چیزی در این جا واجب نمی شود همانگونه که در مورد وقوع قتل میان دو مرد چنین است. این موضوع را مجاهد بیان کرده، و ابو عبید هم به واسطه ابن عباس نقل کرده است. هم چنین از ابن عباس روایت شده که آیه ۱۷۸ سوره بقره با آیه ۴۵ سوره مائده نسخ گردیده که این قول اهل عراق است.

موفق الدین ابن قدامه (م ۶۳۰ق) از فقهای مشهور حنبلی در موضوع محل بحث چنین می گوید: مرد در برابر کشتن زن و زن در برابر کشتن مرد به قتل می رسد، این عموم اهل علم از جمله (نخعی، شعبی، زهری، عمر بن عبد العزیز، مالک، اهل مدینه، شافعی، اسحاق، و اصحاب رای و غیر ایشان است.

ابوبکر محمد بن احمد سرخسی (۴۸۳ق) یکی از فقهای مشهور حنفی نیز در همین زمینه می گوید : ... اگر مردی پسر بچه ای را به قتل برساند قصاص می شود زیرا آنها از نظر زندگی با هم برابرند ، هم چنین است اگر مردی زنی را به قتل برساند . از علی که خدا از

او راضی باد ، روایت شده که اولیای زن بین این که دیه او را بگیرند و یا این که نصف دیه قاتل پردازند و سپس او را به عنوان قصاص به قتل رسانند ، مخیرند . اما این

سخن دور از ذهن است و درست نیست که آن را به علی که خدا از او راضی باد ، نسبت دهیم ، زیرا او فقیه تر از آن است که بگوید قصاص {در ابتدا} واجب نیست اما با

پرداخت مال واجب می شود . بنابراین آن چه گفته شد اگر بنده ای از روی عمد فرد آزادی را به قتل رساند و یا زنی از روی عمد مردی را به قتل برساند ، قصاص می شود ، زیرا آنها از نظر زندگی با هم برابرند .

دلایل این گروه از فقها (اهل سنت)

چنانکه ملاحظه شد در فقه اهل سنت همگی بر این عقیده اند که مرد در برابر کشتن زن قصاص می شود بدون این که خانواده مقتوله فاضل دیه را به خانواده قاتل پردازند و به این ترتیب دلایل این گروه را مورد بررسی قرار می دهیم .

۱- عموم آیات قصاص :

بیشتر فقهای اهل سنت به آیاتی چون « و کتبنا علیهم فیما ان النفس بالنفس » (مائده ۴۵) و «

و کتب علیکم القصاص فی قتلی » (بقره ۱۷۸) را مورد استثنا قرار می دهند و می گویند

این آیات هیچ تفاوتی میان زن و مرد نگذاشته و زن و مرد را در قصاص برابر دانسته است و

آنها بر این عقیده اند مرد در برابر زن قصاص می شود ، اما این که در قصاص مرد در برابر

زن ، پرداخت فاضل دیه شرط شده است یا نه این آیات نسبت به آنها ساکت هستند .

۲- نامه عمرو بن حزم :

اهل سنت به نقل از « قتاده » روایت کرده اند : پیامبر اکرم (ص) مردی یهودی را در برابر

کشتن زنی مسلمان قصاص کرد ، و از آن نتیجه گرفته اند که در قصاص مرد در برابر زن

پرداخت فاضل دیه لازم نیست .

۳- اجماع اصحاب :

بیشتر فقهای اهل سنت ، اشاره ای به اجماعی بودن نظر خود در خصوص قصاص مرد در برابر زن نکرده اند ، و تنها در کلمات برخی از آنان ، اجماع به عنوان یکی از دلایل این نظر بر شمرده شده است .

پس به طور کلی دلایلی که چهار مذهب اهل سنت برابری قصاص بین زن و مرد را لازم می دانند به ترتیب زیر است :

الف- فقه حنفی : ۱- عموم آیاتی چون کتب علیکم القصاص فی قتلی (بقره ۱۷۸) و کتبنا علیهم فیها ان النفس با النفس (۴۵ مائده) ۲- برابری زن و مرد در حیات

ب: فقه شافعی : ۱- برابری زن و مرد در آزادی و اسلام ۲- عموم آیات قصاص مائده ۴۵ بقره ۱۷۸

۳- روایت عمرو بن حزم که در آن آمده « مرد در برابر کشتن زن قصاص می شود »

۴- سنت فعلی پیامبر در مورد حکم مرد یهودی

فقه مالکی : ۱- اجماع ۲- برابری زن و مرد در آزادی و اسلام ۳- روایت پیامبر اسلام که می فرماید « هرگاه کسی به قتل برسد خانواده او بین دو چیز مخیرند یا این که قاتل را بکشند و یا این که از او دیه بگیرند »

۴- سنت فعلی پیامبر

فقه حنبلی: ۱- عموم آیات قصاص ۲- سنت فعلی پیامبر ۳- روایت عمرو بن حزم ۴- این

که زن و مرد به خاطر قذف دیگری حد می خورند اقتضا می کند که آنها در قصاص هم برابر باشند.

قصاص از نظر فقهای امامیه:

فقهای امامیه به اجماع و اتفاق متعقدند در صورتی مرد به لحاظ کشتن زن قصاص می شود

که قبلاً نصف دیه مرد از سوی اولیای مقتوله پرداخت شده باشد.

فقیه محدث بزرگ طایفه امامیه شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) در این زمینه می گوید: اگر مردی

از روی عمد زنی را به قتل رسانده بستگان زن می توانند مرد را به قتل برسانند و نصف دیه

را به بستگان او پردازند یا این که پنج هزار درهم از او بگیرند....».

شیخ طوسی در کتاب «الخلافا» مشروط بودن قصاص مرد در برابر زن، به پرداخت فاضل

دیه را امری اجماعی دانسته و می گوید: مرد در برابر زن کشته می شود مشروط به آن که

بستگان زن افزونی دیه را، که آن پنج هزار درهم است برگردانند. عطا نیز همین را گفته

است؛ البته با این تفاوت که او {افزونی دیه را} شش هزار درهم گفته است. از حسن

بصری نیز این مطلبی روایت شده، که او هم آن را از علی (ع) نقل کرده است.

شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۵ق) در کتاب «الروضه البهیة» که شرحی بر المعه الدمشقیه شهید

اول (۷۳۴-۷۸۶ق) است در این زمینه می گوید: مرد آزاد در برابر مرد آزاد به قتل می

رسد همچنین مرد آزاد در برابر زن آزاد به قتل می رسد البته بعد از آن که بستگان زن

نصف دیه مرد را به او پرداخت کردند. زیرا دیه مرد دو برابر دیه زن است. و همچنین

سید علی طباطبایی در کتاب ریاض المسائل هم همین نظر را دارد.

دلایل فقهای امامیه:

عمده ترین دلایل این گروه از فقها روایات (سنت) ۲- اجماع فقها و فقهای این گروه کمتر

به قرآن استناد میکنند.

اما به اجمال در مورد آیات قصاص از دیدگاه فقهای شیعه می پردازیم.

آیه ۱۷۸ سوره بقره: بیان می دارد «ای کسانی که ایمان آوردید قصاص کشته شدگان بر

شما واجب گردید، آزاد در برابر ازاد، بنده در برابر بنده و زن در برابر زن....»

صاحب مجمع البیان در بیان معنای آیه به حدیثی از امام صادق (ع) اشاره کرد و می

فرماید: امام صادق فرمود «اگر مردی زنی را به قتل رساند و بستگان مقتول خواستند که

مردا بکشند، بایست نصف دیه او را به خانواده اش پرداخت کنند.» و این همان حقیقت

برابری در قصاص است چون جان زن با جان مرد برابر نیست، بلکه جان او نصف جان

مرد است.

آیه ۴۵ سوره مائده بیان می دارد « و ما در تورات بر یهود واجب کردیم که جان در برابر جان ، چشم در برابر چشم ، بینی در برابر بینی ، و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان { قصاص می شود } همچنین در جراحات نیز قصاص جاری می شود .

چنان که در بررسی کلمات فقها اهل سنت دیدیم ، برخی از مفسران آنها قائل شده اند که آیه یاد شده از سوره ی بقره با آیه ۴۵ سوره مائده نسخ شده است . اما غالب فقها و مفسران شیعه این موضوع را نپذیرفته اند و آن را رد کرده اند که در این جا به کلمات برخی از آنها اشاره می کنیم .

قطب راوندی در کتاب خود « فقه القران » پس از بیان آیه ۱۷۸ سوره بقره می گوید بعضی از مفسران گفته اند که آیه ۱۷۸ سوره بقره به وسیله آیه ۴۵ سوره مائده نسخ شده است . اما جعفر بن مبشر می گوید « به نظر من چنین نیست . زیرا خدای تعالی به ما خبر داده که او بر یهود چنین واجب کرده بود . و به نظر من در این آیه چیزی که نشان دهد که خداوند بر ما هم واجب کرده است ، وجود ندارد ، زیرا شریعت یهود با شریعت ما نسخ شده است .

روایات :

از دیگر دلائل فقهای امامیه روایات است که در زیره یکی از آنها اشاره می کنیم :

۱- صحیحہ عبدالله بن سنان:

عبدالله بن سنان در این روایت چنین نقل می کند: از ابا عبدالله (امام صادق (ع)) شنیدم که در مورد مردی که زنش را به عمد کشته بود فرمود: بستگان زن اگر بخواهند مرد را به قتل رسانند می توانند این کار را انجام دهند و نصف دیه مرد را به بستگانش پرداخت کنند و اگر بخواهند می توانند نصف دیه را یعنی پنج هزار درهم، از مرد دریافت کنند.

اجماع:

فقهای امامیه مانند فقهای اهل سنت به اجماع یکی از دلایل خود در قصاص استاد می کنند

اما بر عکس آنها (فقهای اهل سنت) بر این باورند که در قصاص خانواده زن باید نصف

دیه را به خانواده مرد پردازند.

قصاص اعضا و جوارح:

در مورد این موضوع باید گفت که زن و مرد تا یک سوم جراحت با هم در قصاص و دیه

برابند و بعد دیه زن نصف دیه مرد است و ما در این جا به ذکر یک روایت بسنده می

کنیم.

صحيحه حلبی:

در بخشی از روایتی که حلبی از امام صادق (ع) نقل کرده آمده است: جراحتهای زنان و

مردان تا زمانی که به یک سوم دیه برسد با هم برابر است؛ دندان زن در برابر دندان مرد،

زخم زن در برابر زخم مرد، انگشت زن در برابر انگشت مرد. اما هنگامی که جراحت به

یک سوم دیه رسید، دیه زن نصف دیه مرد می شود.

تفاوت دیه بین زن و مرد:

از آنجا که فقهای اهل سنت و امامیه در نصف بودن دیه زن نسبت به مرد باهم تا حدود زیادی اتفاق نظر دارند به همین دلیل بر آن شدیم که نظر فقهای دو گروه را در یک بخش جمع بندی کنیم .

قرآن کریم درباره ی مقدار دیه بین زن و مرد ساکت است و آن چه می تواند مستند و مدرک برای تعیین اندازه دیه آنها قرار گیرد ، اصول و قواعد کلی اسلامی ، روایت خاص و اجماع است .

در کتب فقهی ، به استناد روایات خاص و اجماع ، برابری دیه زن و مرد تاکید شده است . در قرآن کریم در یک آیه به اصل دیه دلالت دارد ولی نسبت به مقدار آن ساکت است .

آیه ۹۲ سوره نسا :

که این چنین بیان می دارد : « و هیچ مومنی را نسزد که مومنی را جز به اشتباه بکشد و هر کس مومنی را به اشتباه بکشد ، باید بنده مومنی را آزاد و به خانواده او خون بها پرداخت کند ؛ مگر این که آنان گذشت کنند و اگر مقتول از گروهی است که دشمنان شمایند و خود وی مومن است قاتل باید بنده مومنی را آزاد کند { و پرداخت خون بها به خانواده ی او لازم نیست } از گروهی است که میان شما و میان آنان پیمانی است باید به خانواده ی

وی خون بها پرداخت نماید و بنده مومنی را آزاد کند و هر کس بنده نیافت باید دو ماه پیاپی به عنوان توبه ای از جانب خدا روزه بدارد و خدا همواره دانای سنجیده کار است .

نظر فقهی که در این مورد می توان بیان کرد نظر آقای: « حمزه علی بن زهره معروف به ابن زهره نیز نصف بودن دیه زن نسبت به دیه مرد را مورد اتفاق همه فقها دانسته و می گوید :

دیه زن نصف دیه مرد است . در این زمینه هیچ نظر مخالفی وجود ندارد ، « ابن علی » و اصم گفته اند که دیه آنها با هم برابر است . اما روایتی که از طریق ایشان { اهل سنت } از

پیامبر ، که بر او سلام باد نقل شده و در آن آمده است : « دیه زن نصف دیه مرد است » بر خلاف نظر این دو دلالت دارد .

اما دلائلی را که در مورد دیه بین فقها مطرح است را بررسی می کنیم :

اول - روایات در مورد دیه نفس

اما در این قسمت دو روایت را ذکر می کنیم یکی بر برابری دیه بین زن و مرد صدق می کند و دیگری بر نصف بودن دیه بین زن و مرد صادق است .

این روایت را شیخ حر عاملی در ابتدای کتاب الدیات از کتاب وسائل الشیعه آورده است .
عبدالرحمان بن حجاج می گوید : شنیدم که ابن ابی لیلی می گفت « دیه در دوران
جاهلیت یکصد شتر بود . رسول خدا همان را امضا کرد . سپس بر گاوداران دوست گاو
و بر گوسفند داران یکهزار گوسفند و بر صاحبان طلا ، هزار دینار و بر صاحبان درهم ده
هزار درهم و بر مردمان یمن ، دوست حله (قطعه پارچه) مقرر کرد .

و اما روایت دوم ما در این جا هم روایت را ذکر می کنیم و هم ایرادی را که بر این روایت
از سوی یکی علما متاخر گرفته شده است را بیان می داریم :

محمد بن یعقوب ، عن علی بن ابراهیم ، عن محمد بن عیسی ، عن یونس عن عبدالله
مسکان عن ابی عبدالله (ع) می فرماید : قال « دیه المرأة نصف دیه الرجل » امام صادق در
روایتی فرمود دیه زن نصف دیه مرد است .

ایراد گرفته شده : این روایت گرچه از جهت دلالت تمام است و هیچ خدشه ای در آن راه
ندارد ، ولی از جهت سند با مشکل مواجه هست . ؛ زیرا از یک سو در سند این حدیث ،

محمد بن عیسی از یونس نقل روایت می کند و محمد بن الحسن الولید روایات او را -
آن گاه که به تنهایی ناقل باشد - مردود شمرده است . از سوی دیگر وثاقت محمد بن
عیسی بن عبید محل خلاف و تردید است ؛ چرا که شیخ طوسی ، سید بن طاووس ، شهید

ثانی ، محقق و گروهی دیگر وی را تضعیف کرده اند و نجاشی او را توثیق کرده است و پس از تعارض جرح و تعدیل ، اقوی ترک عمل به این روایت است .

دیه اعضا و جراحات :

صحیحہ ابوبصیر :

مطابق این روایت ، امام صادق (ع) در پاسخ ابوبصیر که از ایشان در مورد حکم جراحات پرسیده بود ، فرمودند : جراحات زن همانند جراحات مرد است تا زمانی که به یک سوم دیه برسد پس هنگامی که به یک سوم دیه رسید (دیه) جراحات مرد نسبت به دیه جراحات زن دو برابر می شود .

اجماع :

دومین دلیلی که نصف بودن دیه زن نسبت به دیه مرد اقامه شده ، اجماع فقهاست . در این مورد هم فقها متاخر و هم فقهای متقدم با اجماع بر نصف بودن دیه بین زن و مرد تاکید دارند .

۶- نظرات اساتید و علمای متاخر در مورد تفاوت دیه بین زن و مرد :

در این جا ما به ذکر نظرات مراجع تقلید ، علما و اساتید متاخر می پردازیم .

در میان مراجع تقلید معاصر آیت الله صانعی و آیت الله جناتی به طور کامل دیه زن و مرد را برابر می دانند . آیت الله مکارم شیرازی نیز متعقدند علت عدم برابری دیه زن و مرد (مسئله اقتصادی) نان آور بودن مردان نه تفاوت انسانی و آیت الله موسوی بجنوردی و محقق داماد هم نظری شبیه به همین نظر را دارند .

نوسنده کتاب نقد الحاق با توضیحاتی که در مورد مفهوم دیه می دهد و بیان می دارد :
حال که ثابت شد دیه نمی تواند خون بها باشد پس زیاد بودن آن دلیل برتری ارزش نیست و کم بودن آن نیز دلیل کم ارزشی نمی شود . اگر دیه مرد از دیه زن بیشتر است ، دلیل بر این نیست که مرد دارای ارزش بیشتری است و یا زن از ارزش کمتری برخوردار است .
پس دلیل زیاد یا کم بودن دیه چیست ؟ دلیل این امر « بر اساس روایت عدل که یونس بن عبد الرحمان از علی بن موسی الرضا (ع) نقل می کند ، دلیل بر عدم مسئولیت مادی زن در خانواده است .» چون زن هیچ گونه وظیفه مادی از جهت تامین مخارج در منزل ندارد ، بلکه این وظیفه به عهده ی شوهر است دیه او بیشتر از دیه زن است ؛ یعنی مبنای دوبرابر بودن دیه مرد نسبت به دیه ی زن یک امر مادی است ، نا این که بیانگر ارزش معنوی باشد . ممکن است گفته شود اگر زن مسئولیتهای خانواده بر عهده داشته باشد مقدار دیه اش مثل مرد می شود ؛ در جواب باید گفت : خیر ؛ چون در اسلام وظایف و مسئولیتهای آنها به حسب طبیعت و فطرت تقسیم شده و زن در این خصوص مسئولیتی ندارد . و ادامه می دهد که « ممکن است گفته شود : زن را در تامین مخارج منزل و نیز پرداخت دیه به عنوان عاقله

(جز عاقله محسوب گردد) شریک بدانیم تا دیه و همچنین ارث او برابر مرد گردد ، و دیگر هیچ گونه شائبه تبعیض در کار نباشد ؟ ۱- وظایف و به تبع آن حقوق ، با توجه به توانایی ها ، ظرفیت ها و قابلیت ها تقسیم می شوند. و با توجه به ضعیف بودن قدرت بدنی زن نسبت به مرد و همچنین روحيات و جسم لطیف و ظریف زن ، کارهایی که نیاز به دقت ، ظرافت ، سلیقه خوش و غیره دارد به عهده ی زن ، از این رو کار کردن برای تامین مخارج و نیازها بر عهده ی مرد است ، و نیز نفقه به عهده اوست . ۲- این که ما زن را موظف کنیم همچون مرد هر روز ۷-۸ ساعت کار بکند و در طول ۳۰-۴۰ سال این کار را مدام انجام دهد ، برای این که نفقه او بر دوش مرد نباشد و در نتیجه دیه ی او (در صورتی که کشته شود و یا جراحی به او وارد گردد که موارد آن در طول زندگی بسیار نادر است) و سهم الارث او با مرد مساوی می گردد، این دفاع از حقوق زن است ، یا مکلف کردن زن به تکالیفی که فوق توان و قدرت اوست ؟

نوسینده کتاب زن در آئینه جمال بیان می دارد که « از دیگر شبهاتی که بر اثر عدم توجه به معیار های ارزشی قرآن کریم و رسوخ فرهنگ جاهلی و غربی در ذهنها و بیانها بر آن تکیه می شود ، تفاوت دیه زن و مرد است . برای پاسخ به شبهه یاد شده ذکر یک مقدمه ضروری است و آن این که معیار ارزیابی انسان در اسلام ، دیه نیست تا تمایز زن و مرد به آن خلاصه شود و نیز معیار دیه در اسلام ، ارزش معنوی انسان مقتول نیست ، بلکه دیه صرفاً بدلی مادی برابر بدن مادی است .

و همچنین ایشان در بخش راز اختافات دیه زن و مرد به ذکر یک حدیث می پردازد و بیان می دارد که « ابو هاشم جعفری نقل کرده است: شخصی از حضرت امام حسن عسگری (ع) پرسید: چرا زن بیچاره ی ضعیف باید یک سهم داشته باشد و مرد توانا دو برابر بگیرد ، حضرت فرمود: چون هزینه ی سنگین حضور در جبهه های جهاد و نفقه های خانواده و توان مالی اقوام – مانند پرداخت دیه مقتولی که توسط یکی از اقوام به قتل رسیده است فقط به عهده ی مردان است . و نویسنده ادامه می دهد علت نصف بودن دیه زن نسبت به مرد به این دلیل است که مردها در مسائل اقتصادی معمولاً بیشتر از زنها بازدهی اقتصادی دارند .

آقای جمال خندان کوچکی در سرخط روزنامه اعتماد ملی و در اندر حکایت تساوی دیه زن و مرد بعد از ذکر مسائلی در این موضوع یک نتیجه گیری کلی کرده و گفته است: « علی ای حال نظر به این که قرآن مجید صرفاً به پرداخت دیه جهت کشته شدن غیر عمد « مومنین » اشاره نموده و در روایات منقول از رسول آکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز دیه غیر مسلم نه تنها در مقابل دیه مردان مسلمان بلکه در مقابل دیه زنان مسلمان نیز بسیار ناچیز است و در حال حاضر مطابق مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام مقررات تساوی دیه بین مسلمانان و غیر مسلمانان حاکم و جاری گردیده و بدین ترتیب هم اکنون دیه یک مرد غیر مسلمان دو برابر دیه یک زن مسلمان بوده که البته و جاهت شرعی آن مورد تردید

است و همچنین با لحاظ تحولات شگرف اجتماعی و اقتصادی دنیای کنونی و نقش موثر زنان در اقتصاد جامعه و اداره خانواده به نظر می رسد وقت آن

فرا رسیده است که قانونگذار جمهوری اسلامی همانند موضوع تساوی دیه مسلمان و غیر مسلمان به تساوی دیه میان زن و مرد حکم نموده و یا این که لااقل پیشنهاد اخیر دکتر الهام وزیر دادگستری و سخنگوی دولت و

عضو حقوقدانان شورای نگهبان مبنی بر تکلیف ادارات بیمه جهت پیش بینی قرار دادی پرداخت مساوی دیه زن و مرد را مورد توجه قرار دهد.

نظرات نگارنده در مورد مطالب ذکر شده :

اما در مورد مطلبی را که شیخ طوسی در کتاب الخلاف گفته و فرموده است از حسن بصری نیز این مطلب روایت شد و او هم آن را از علی (ع) روایت کرده حال این نکته را باید گفت که اگر حضرت علی (ع) بر نصف بودن دیه بین زن و مرد تاکید داشتند چرا در

خطبه ۸۰ خود در نهج البلاغه زمانی که در بیان تفاوت های زنان و مردان می گویند : « که ای مردم ! همانا زنان در مقایسه با مردان ، در ایمان ، و بهره وری از اموال و عقل متفاوتند ، اما تفاوت ایمان بانوان ، بر کنار بودن از نماز و روزه در ایام « عادت و حیض » آن است و اما تفاوت عقلشان با مردان بدان جهت که شهادت دو زن در برابر با شهادت یک مرد است و

علت تفاوت در بهره وری از اموال آن که ارث بانوان نصف ارث مردان است . پس چرا حضرت علی در مورد مسئله ی به این مهمی هیچ تفاوتی بین زن و مرد ذکر نمی کند .

یا اگر ما قضاوت های این امام معصوم را مورد مطالعه قرار دهیم متوجه مطالب بالا می شویم

به عنوان مثال مردی ضربه ای بر شکم زنی وارد ساخت ، زن در اثر آن ضربه علقه (مرحله دوم از مرحله تکامل جنین) سقط کرد حضرت امیر فرمود آن مرد باید چهل دینار بپردازد . بدلیل آیه قران ولقد خلقنا الانسان من سلاسه من طین ... و آنگاه فرمود دیه نطفه بیست

دینار و علقه چهل دینار و مضغه شصت دینار و استخوان پیش از تمام شدن خلقت هشتاد دینار ، جنین کامل قبل از دمیدن روح صد دینار و پس از دمیدن روح هزار دینار . نکته ای را که در این جای میتواند برداشت کرد این است که حضرت علی (ع) با ذکر این موارد هیچ سخنی از تفاوت دیه بین پسر و دختر عنوان نکرده است .

در مورد اعضا و جوارح :

اگر بخواهیم این مطلب را از نظر عقلی مورد بررسی قرار دهیم می توانیم این طور بیان کنیم که چطور ممکن است دیه سه انگشت زن باشد ۳۰ دینار و دیه چهار انگشتش باشد ۲۰ دینار آیا واقعاً از نظر عقلی قابل قبول است !؟

و اما در مورد مطالبی که نویسنده کتاب زن در آئینه جمال گفته است باید گفت که اگر منظور نویسنده محترم از بدن مادی همان آفرینش ابتدائی زن است باید گفت همانطوری که در بخش آفرینش زن به طور کلی در مورد آن صحبت کردیم زن و مرد همه از یک سرشت آفریده شده اند و همه آنها از یک جنس هستند پس هیچ تفاوتی در بدن مادی نیست. ر.ک به بخش آفرینش زن

و اما در مورد قسمت روایت ذکر شده می توان گفت که: این روایت احتمالاً در مورد مسئله ارث است و با دیه فرق دارد و ما هم قبول داریم ارث زن نصف ارث مرد است و این مسئله هم در قرآن به صراحت ذکر شده ولی در مورد دیه عکس قضیه است. و علت دو برابر بودن ارث مرد نسبت به ارث زن هزینه های مثل نفقه و مهریه و جهاد است و چرا باید آن را با دیه بسنجیم.

اما در مورد کتاب نقد الحاق: باید گفت که در جامعه ای که امروزه زن دوشادوش مرد در تامین مخارج زندگی جهد و کوشش می کند تکلیف چیست حال اگر بگویم به نظر نویسنده این وظیفه بر عهده شوهر است و زن در قبال آن مسئولیتی ندارد باید گفت که امروزه این مسئله (کار کردن زن در جامعه برای تامین مخارج زندگی) عملاً در حال اتفاق است و هیچ توجهی هم به مسئولیت داشتن مرد در قبال خانواده نمی شود. همانطوری که اشاره شده زن از روحیه و جسم لطیف و ظریف برخوردار است و این خود ذهن ما را به سوی یک مسئله ای سوق می دهد که آن مسئله از دست دادن مادر برای

فرزندان یک خانواده است که باید متذکر شویم که صدمات روحی که در اثر از دست دادن یک مادر برای فرزند به وجود می آید را چه کسی می خواهد جبران کند آن هم ضرر معنوی چون مادر قطعاً بهتر از پدر می تواند کانون خانواده های خود را گرم نگه دارد و فرزندان خود را تربیت کند و این را هم بدانید ، مساله وضع حمل برای زن ، مقدار زیادی از نیروی جسمانی را هم جذب می کند ، هرچه فرزند بیشتر بیاورد در واقع ایثارگری بیشتری کرده است ، این یک واقعیتی است ، آفرینش زن این است ، با شعار نمی توانیم آفرینش را عوض کنیم ، این یکی از موانعی است که نمی گذارد بازدهی اقتصادی زنها بیشتر بشود .

نتیجه گیری :

پس بدین ترتیب با ذکر مطالب فوق می توان نتیجه گرفت که در قرآن شاهد و گواهی نیز بر نابرابری قصاص و دیه وجود ندارد و از این نظر هم بین فقها امامیه و اهل سنت اختلاف است و باتوجه به ادله موافقین برای دیه

، جزایی و قصاص و مهمتر از همه برای این که دین اسلام را از این که کشورهای غربی محکوم به تبعیض علیه حقوق زنان می کنند نجات دهیم چاره ای اندیشیده شود تا بتوان قانونگذاران محترم ما حکم به برابری قصاص و دیه بین زن و مرد دهند . در پایان از همه

دوستان که ما را در نوشتن این مقاله کمک کردند تشکر می کنیم و خصوصاً از استاد

محترم آقای دکتر پارسا که کمک زیادی در نوشتن این مقاله کردند صمیمانه متشکریم.

منابع :

۱- تفاوت زن و مرد در دیه و قصاص - آقای ابراهیم شفیعی سروستانی - شورای فرهنگ

- اجتماعی زنان - چاپ اول بهار ۱۳۸۴

۲- مباحثی از حقوق زن / آقای حسین مهرپور - تهران ، اطلاعات ۱۳۷۹

۳- نظام حقوقی زن از دیدگاه اسلام / شهید مرتضی مطهری / تهران / صدر ۱۳۷۱

۴- داوریهای شگفت از حضرت علی بن ابیطالب / محمد تقی شوشتری / تهران پیام حق

۱۳۷۸/

۵- زن از دیدگاه اسلام و تمدن غرب / کریم نافی فرد / تهران / ناشر عابد ۱۳۸۲

۶- جایگاه زن در خانواده و اجتماع در اسلام و یهودیت / محمد رضا جلیلی / تهران /

دستان ۱۳۸۲

۷- برابری دیه (زن و مرد ، مسلمان و غیر مسلمان) بر گرفته از نظرات مرجع عالی قدر

حضرت آیت الله صانعی / قم . میثم تمار . ۱۳۸۴

۷- نهج البلاغه . ترجمه مرحوم محمد دشتی . انتشارات خوشرو . چاپ دوم ، ۱۳۸۱

۸- زن در آئینه جمال - جوادی آملی - مرکز نشر اسراء

۹- نقد الحاق - بررسی حقوق الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون رفع تبعیض

علیه زنان - لطفه الله سجاد منش - مرکز انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی -

قم - چاپ اول ۱۳۸۳

۱۰- محشای قانون مجازات اسلامی / دکتر ایرج گلدوزیان / انتشارات مجد / چاپ ششم

آبان ماه ۱۳۸۴

۱۱- حقایق اساسی درباره سازمان ملل متحد / مترجم علی ایثاری کسمایی / چاپ اول /

تارخ انتشار ۱۳۸۴ / ناشر ایثاری

۱۲- قضاوتها و حکومت عدالت خواهی علی ابن ابی طالب (ع) / سید اسماعیل رسولزاده

خویی / چاپخانه گلبن چاپ / چاپ دهم / ۱۳۷۹

۱۳- فرهنگ فارسی (یک جلدی کامل) / تالیف محمد معین / ویراستار / امیر کاوس

بالازاده / سحر قدیمی / تهران / ساحل ۱۳۸۳

۱۴- مقاله آقای جمال خندان کوچکی / روزنامه اعتماد ملی / دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۸۶ /

شماره ۴۳۰

۱۵- مقاله آقای سید علی رضا ناصریان

۱۶- مقاله آقای حسین مهرجویی

نویسنده: سید حسین حسینی هرانده و عاطفه عابدی